

## نگاهی تاریخی - نقادانه به برنامه درسی رشته زبان و ادبیات فارسی از نظر انطباق با نیازهای جامعه و اشتغال پذیری

عبدالرسول شاکری<sup>۱</sup>

### چکیده

در این مقاله، برنامه‌های درسی رشته زبان و ادبیات فارسی از نظر انطباق با نیازهای جامعه و اشتغال پذیری، طی یکصد سال اخیر، بررسی شده است. این بررسی با نخستین برنامه این رشته در دارالمعلمین مرکزی (۱۲۹۷ خورشیدی) آغاز و با آخرین تغییرات آن (سال‌های آغازین ۱۳۹۰ خورشیدی) پایان می‌یابد. با توجه به مسئله پژوهش و فرضیه آن، روش تحقیق تاریخی انتخاب شد. نتایج نشان داد که برنامه این رشته در آغاز خصیصه‌ای مأموریت‌محور (تربیت آموزگار و دبیر) داشت و در مؤسسه‌های دارالمعلمین مرکزی، دارالمعلمین عالی و دانش سرای عالی با موفقیت اجرا می‌شد. دانش سرای عالی و استادان برجسته آن در سال ۱۳۱۷ به دانشکده ادبیات دانشگاه تهران پیوست و برنامه رشته ادبیات نیز بی‌کم و کاست در این دانشکده اجرا شد. این برنامه بر اساس نیاز به پرورش آموزگار و دبیر در مدرسه‌های ایران تهیه شده بود و گرایش به ادبیات کلاسیک، متن خوانی و زبان عربی در آن مسلط بود. بررسی ما نشان داد که موفقیت این برنامه در جهت مأموریت آن و برجسته بودن استادانی که در تهیه و تدریس آن طی سال‌ها نقش داشتند، به اندازه‌ای بوده که موجب ممانعت از تغییراتی اساسی و مطابق ضرورت‌های جامعه در آن شده است. با مشخص شدن این مانع تاریخی، تغییر اساسی در مقطع کارشناسی برای این رشته، در جهت نیازهای جامعه و اشتغال‌پذیری، پیشنهاد شده است.

کلیدواژه‌ها: برنامه رشته زبان و ادبیات فارسی، تحقیق تاریخی، اشتغال‌پذیری، دانش سرای

عالی، دانشگاه تهران

۱. استادیار، زبان و ادبیات فارسی، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت)، تهران، ایران. رایانامه: shakeri@samt.ac.ir

## **A Critical Historical Perspective on the Curriculum of the Persian Language and Literature major in Terms of Its compliance with Societal Needs and Employability**

**Abdolrasoul Shakeri<sup>1</sup>**

### **Abstract**

In this article, the curricula of the Persian Language and Literature program were examined over the past hundred years in terms of their alignment with societal needs and employability. This investigation begins with the first program established at the Central Teacher Training Institute (Darol-Mo'allemin Markazi) in 1297 SH (1918 CE) and concludes with the latest modifications made in the early years of 1390 SH (2011 CE). Given the research question and its hypothesis, a historical research methodology was employed. The findings indicate that the initial program of this discipline was characterized by a mission-oriented focus (training teachers and instructors) and was successfully implemented in institutions such as Darol-Mo'allemin Markazi, the Higher Teacher Training Institute (Darol-Mo'allemin Aali), and Higher Training College (Daneshsaraye Aali). In 1317 SH (1938 CE), Daneshsaraye Aali and its distinguished faculty joined the Faculty of Literature at the University of Tehran, where the program for Literature continued without significant alteration. This curriculum was developed in response to the need for training teachers and instructors for schools in Iran, with a predominant emphasis on classic literature, text reading, and Arabic language. Our analysis reveals that the success of this program, aligned with its mission and bolstered by the prominence of the faculty involved in its development and instruction over the years, has been substantial enough to hinder essential changes that would address societal needs. With this historical barrier identified, we propose significant reforms, particularly at the undergraduate level, to align this discipline more closely with societal demands and enhance employability.

**Keyword:** Persian Language and Literature program, historical research, employability, Daneshsaraye Aali, University of Tehran

---

1. Assistant Professor, Persian Language and Literature, Research Institute for Humanities and Cultural Studies (SAMT), Tehran, Iran. Email: shakeri@samt.ac.ir

## مقدمه

در سراسر جهان، دانشگاه‌های نسل اول آموزش محور و نسل دوم پژوهش محور بودند. پژوهش محور شدن در نسل دوم با تأسیس گروه‌ها و مراکز پژوهشی در دانشگاه میسر شد. طی سده بیستم این نسل دانشگاهی اشاعه یافت و آمیختگی آموزش و پژوهش شیوه غالب در جهان شد (مهرنوش و سعدی، ۱۳۹۸: ۱۰۴). نقش دانشگاه‌ها به تدریج با توجه به مسئولیت‌هایی که در قبال جامعه در حال تغییر دارند دگرگون شده است. به گونه‌ای که در نیمه دوم سده بیستم انقلاب دوم در دانشگاه‌ها رخ داد که طبق آن، دانشگاه‌ها افزون بر مأموریت‌های آموزشی و پژوهشی، عهده‌دار مسئولیت «توسعه اجتماعی و اقتصادی» نیز شدند (شین، ۲۰۱۴، به نقل از همان: ۱۰۵) و از این پس نسل سوم دانشگاه‌ها پدید آمد که از آن با عنوان دانشگاه کارآفرین یاد می‌شود. البته در این میان، مسئولیت اجتماعی دانشگاه حیطه‌ای ضروری است. موضوعاتی از قبیل توسعه فعالیت‌های اخلاقی، فراگیر و مفید برای عموم مردم، حفاظت از محیط زیست، ارتقاء سطح رفاه و کیفیت زندگی مردم، به‌ویژه جمعیت نیازمند و آسیب‌پذیر و تعهد به ساختن جهانی بهتر در این حیطه قرار می‌گیرد (شک و هالیستر، ۱۴۰۰: مقدمه).

در بحث‌های مربوط به کارکرد دانشگاه، به نظر می‌رسد ترکیب مباحث بااهمیتی مانند مسئولیت اجتماعی و اخلاقی دانشگاه با مبحث مهم اشتغال امر ناممکنی نباشد و ای بسا هر سه مبحث را بتوان کاملاً سازگار با هم در نظر گرفت. در کشور ما نیز بحث ارتباط میان دانشگاه و کارآفرینی و دیگر موارد مربوط به مسئولیت اجتماعی، در چند دهه اخیر، در کانون توجه بعضی از پژوهش‌گران و همچنین تصمیم‌گیران حیطه سیاست‌های آموزشی در ایران بوده است. در چنین زمینه‌ای است که ارتباط میان دانشگاه و موضوع اشتغال اهمیت می‌یابد. چنان که پژوهش‌ها نشان می‌دهد، در میان رشته‌های علوم انسانی، دانش‌آموختگان رشته زبان و ادبیات فراوان و با بیکاری بالایی مواجه هستند (احمدی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱) به‌طور مشخص، ارتباط میان برنامه رشته زبان و ادبیات فارسی و موضوع اشتغال مسئله‌ای است که در این مقاله در کانون بررسی قرار گرفته است. برای پرداختن به این مسئله، با بررسی سیر تحولات برنامه این رشته و مقایسه نخستین برنامه با آخرین برنامه مصوب، کوشش می‌کنیم میزان تغییرات این برنامه طی یک صد سال اخیر را بررسی کنیم تا از این طریق نقش تاریخ این رشته در اشتغال‌پذیری آن را به بحث بگذاریم. در واقع، با نگاهی تاریخی به وضعیت رشته زبان و ادبیات فارسی

در کشورمان میزان سازگاری آن با نیازهای جامعه و موضوع اشتغال را بررسی کنیم تا از دل این نگاه تاریخی و نقادانه به راه‌حلی برای وضعیت کنونی دست یابیم. در بحث اشتغال، غیر از موضوع سرفصل‌های رشته زبان و ادبیات فارسی، شمار دانشجویان و دانش‌آموختگان این رشته نیز اهمیت دارد که به این موضوع هم اشاره خواهیم کرد. گفتنی است در ارتباط میان رشته زبان و ادبیات فارسی و اشتغال متغیرها و عوامل مختلفی بیرون از رشته مورد نظر، مثلاً وضعیت اقتصاد کشور، وجود دارد که در این‌جا موضوع بحث ما نیست. در واقع، بحث ما در این‌جا معطوف به عواملی است که در برنامه آموزشی این رشته در دانشگاه‌های کشورمان وجود دارند که مانع انطباق این رشته با نیازهای جامعه و اشتغال‌پذیری آن شده‌اند و ما خواهیم کوشید پیشنهادهایی برای رفع این عوامل نیز ارائه کنیم.

#### پیشینه پژوهش

در زمینه نقد سرفصل‌های مصوب پژوهش‌های اندکی انجام شده است. در مقاله «ادبیات داستانی در دانشگاه: نگاهی نقادانه به درس ادبیات داستانی در برنامه دوره کارشناسی زبان و ادبیات فارسی»، افزون بر جزئیات مربوط به هدف، مواردی از قبیل ساختار و همچنین کلیت برنامه کارشناسی با توجه به دیدگاه‌های جدید در کانون نقد و بررسی قرار گرفته است (شاکری، ۱۳۹۷). در یکی از پژوهش‌ها، نیازمحور نبودن، مسئله‌محور نبودن، نداشتن چشم‌انداز، مبهم بودن سرفصل‌ها، روشمند نبودن و عدم تطابق با اصول برنامه‌ریزی آموزشی از جمله مواردی است که در نقد برنامه این گرایش در مقطع کارشناسی ارشد بدان اشاره شده است (حری، ۱۳۹۸). در پژوهشی دیگر، فقط درسنامه آثار غنایی غیرمنظوم در سرفصل دکتری در کانون بررسی و نقد قرار گرفته و پیشنهادهایی برای منابع این درس ارائه شده است (ذاکری کیش، ۱۴۰۰). در مقاله‌ای دیگر، نقش مبانی نظری در تدوین گرایش‌های جدید رشته زبان و ادبیات فارسی بررسی شده که طبق آن، مفاهیمی مانند فهم متعارف از ادبیات و مفاهیم وابسته، تغییر ماهیت برخی دروس و گرایش‌ها در اثر سلطه ادبیات عامیانه، تقلیل‌گرایی به سبب تأکید بر بومی‌گرایی سطحی و تکیه بر رویکرد تک‌رشته‌ای از مهم‌ترین آسیب‌های برنامه مصوب این گرایش‌ها معرفی شده است (محمدی کله‌سر، ۱۴۰۱). در چند پژوهش متأخر، مسئله اشتغال در رشته زبان و ادبیات فارسی در کانون توجه قرار گرفته، اما ارتباط این مسئله با برنامه‌های مصوب، به جز چند

مورد معدود، در این پژوهش‌ها در کانون توجه نبوده است. نتیجه یک مطالعه موردی، مربوط به دانش‌آموختگان چهار رشته جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، ادبیات فارسی، و ادبیات انگلیسی وضعیت اشتغال در رشته زبان و ادبیات فارسی را بحرانی نشان داده است (احمدی و همکاران، ۱۳۹۴). در پژوهشی با موضوع جایگاه آموزش کارآفرینی و سرفصل‌های رشته زبان و ادبیات فارسی، نتایج نشان می‌دهد که در سرفصل‌های این رشته به مسئله کارآفرینی توجه نشده است؛ این در حالی است که در زمینه‌های مختلف مانند طراحی لباس بر اساس باورهای قومی، نام‌گزینی، قصه‌درمانی گردشگری ادبی و تولید محتوا، ویرایش، آموزش، و بازی‌های رایانه‌ای قابلیت کارآفرینی وجود دارد (ظاهری عبدوند و همکاران، ۱۳۹۸). در پژوهشی دیگر، مبانی نظری سرمایه انسانی اشتغال‌پذیری در رشته زبان و ادبیات فارسی بررسی شده است که طبق آن، تقاضای دانش‌آموختگان رشته زبان و ادبیات فارسی در زمان کنونی بیش‌تر برای معلمی، نویسندگی، مشاوره ادبی و ویراستاری است که در صورت کسب بعضی مهارت‌ها در بخش‌های فرهنگی دولتی و غیردولتی از قبیل فرمانداری، استانداری، شهرداری، و ویراستاری در مجلات و نشریات می‌توانند فعالیت کنند. از جمله فعالیت‌هایی که دانش‌آموخته این رشته می‌تواند در آن مشغول به کار شوند عبارت است از: شاعری، نویسندگی، مترجمی، ویراستاری در حیطه‌های مجله، خبر، متون علمی، کتاب، روزنامه، مشاوره ادبی برای: دفترهای اداری، روابط عمومی، خبرگزاری‌ها، روزنامه‌ها و مجلات، انتشارات، شرکت‌های تبلیغاتی، کتابخانه‌ها، فیلم‌ها سریال‌ها، شبکه‌های رادیو و تلویزیون، و وبگاه‌ها. خبرنگاری، اداره ثبت، و میراث فرهنگی (انتظاری، ۱۴۰۰: ۱۷۴-۱۸۳). در این پژوهش، نامتناسبی میان نیاز جامعه و تعداد دانشجویان و دانش‌آموختگان این رشته در کانون توجه قرار گرفته است و طبق بررسی آماری ارائه شده در آن، از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۶۷ یعنی یک دوره هفده‌ساله (با احتساب سه سال تعطیلی دانشگاه‌ها) ۹۰۱۶ نفر دانش‌آموخته در رشته زبان و ادبیات فارسی وجود داشته و از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۹۷ سالانه به طور متوسط ۷۲۴۴ نفر در این رشته دانش‌آموخته شده و وارد بازار کار شده‌اند، به گونه‌ای که در سال ۱۳۹۵ بیش از ۲۰۰ هزار نفر نیروی بالقوه در این رشته در کشور موجود بوده است (همان: ۲۱۰-۱۳۲). در مقاله «بررسی روانشناختی نگرش و انگیزش دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی نسبت به رشته تحصیلی و آینده شغلی»، در پژوهشی تلفیقی، انواع انگیزش و نگرش دانشجویان نسبت به این رشته و آینده شغلی آنان سنجیده شده است (ابراهیمی و جهانی، ۱۴۰۲). می‌توان ادعا کرد مفصل‌ترین پژوهش

درباره رشته زبان و ادبیات فارسی در کتاب *درآمدی بر ادبیات‌شناسی: راهنمای اصول آموزش و پژوهش در ادبیات فارسی* (فتوحی، ۱۴۰۰) صورت گرفته است. در بخشی از کتاب یادشده با عنوان «مهارت‌های ادبی برای بازار کار» مسئله اشتغال و نیازهای اجتماعی در رشته ادبیات‌شناسی در کانون توجه قرار گرفته است و در زمینه ارتباط میان رشته ادبیات و نیازهای اجتماعی نمونه دانشگاه‌های بریتانیا معرفی شده مبنی بر اینکه در برخی از این دانشگاه‌ها، در یک دوره سه‌ساله برای دوره کارشناسی ۵۳ گرایش آموزش داده می‌شوند که همه این گرایش‌ها تلفیقی از ادبیات و دانش‌ها و مشاغل دیگر هستند. نویسنده، در ادامه، با تأکید بر استفاده از زمینه‌های میان‌رشته‌ای و همکاری رشته ادبیات و دیگر رشته‌ها، هفده رشته در مقطع کارشناسی را پیشنهاد داده است (فتوحی، همان: ۹۶-۱۰۲).

### پرسش‌های پژوهش

۱. مانع یا موانع تاریخی انطباق برنامه‌های درسی مصوب رشته زبان و ادبیات فارسی با نیازهای جامعه و مسئله اشتغال‌پذیری چیست؟
۲. با توجه به پاسخ پرسش نخست، راه‌حل‌های انطباق برنامه‌های درسی مصوب رشته زبان و ادبیات فارسی با نیازهای جامعه و مسئله اشتغال‌پذیری چیست؟

### روش پژوهش

در تعریفی کلاسیک، «تاریخ کنش و واکنش مداوم مورخ و امور واقع نسبت به یکدیگر است، و گفت‌وشنود بی‌پایان حال و گذشته» (کارل، ۱۳۸۷: ۵۹). از این منظر، «گذشته را تنها در پرتو نور حال می‌توان دید، و زمان حال را فقط در پرتو نور گذشته» (همان: ۸۹). روش تحقیق تاریخی یکی از زیرمجموعه‌های روش تحقیق کیفی به شمار می‌آید که می‌تواند در مواجهه با بعضی از مسئله‌ها کاربردی ویژه داشته باشد. به عبارتی، «همان‌گونه که در شناخت واقعیت اجتماعی به ابعاد زمانی و مکانی جدید باید توجه شود، به همان سیاق نیز گذشته بعد اجتناب‌ناپذیر واقعیت است و بدون آن شناخت ناقص خواهد بود» (ساروخانی، ۱۳۸۳: ۲۰۰). یکی از تاریخ‌دانان ایرانی می‌نویسد: «در سیر تحولات تاریخ سیاسی گاه به حوادثی برمی‌خوریم که به خودی خود علت یا علل ساده و حتی پیش‌پا افتاده‌ای داشته‌اند، اما همین حوادث آثار و نتایج مهم و یا بسیار مهم به بار آورده‌اند» (آدمیت، ۱۳۸۷: ۵۱۰). روش تاریخی در این پژوهش از این جهت انتخاب شد که نشان دهیم بعد تاریخی مسئله پژوهش موضوعی بسیار با اهمیت است و توجه به آن می‌تواند ما

را در حل مسئله، با توجه به نیازهای امروز جامعه ایرانی، یاری کند. از آنجا که مسائل و بحران‌های امروزی ریشه‌های تاریخی دارند، استفاده از روش تحقیق تاریخی می‌تواند به تبیین وضعیت امروزی و دلایل ایجاد آن بینجامد. به همین دلیل، استفاده از روش تحقیق تاریخی، به عنوان ابزاری برای بررسی موضوع مقاله پیش رو، امکان فهم فرایندی را مهیا می‌کند که به موجب آن به مسئله عدم انطباق‌پذیری رشته ادبیات با مسائل امروز جامعه و به عبارتی نامعاصریت آن شده است. به این منظور، با استفاده از آرشیوهای اسنادی (اساسنامه‌ها، سالنامه‌ها، برنامه‌های درسی مصوب، گزارش‌های تاریخی) و تحقیقات تاریخی صورت گرفته در این زمینه داده‌های مرتبط با روند تاریخی تحولات رشته ادبیات، از جمله سرفصل‌ها و تغییرات آن‌ها در طی زمان، استخراج گردید و با توجه به زمینه‌های تاریخی در توالی زمانی مورد تحلیل قرار گرفت.

#### یافته‌ها

با توجه به رویکرد تاریخی انتخاب شده در این پژوهش، طبق یافته‌های بررسی ما، تاریخ رشته زبان و ادبیات فارسی، از آغاز تا پایان سال ۱۴۰۳، به پنج دوره تقسیم شد که در ادامه، هر یک از این دوره‌ها به همراه برنامه‌ها و ویژگی‌های آن‌ها معرفی می‌شود.

#### دوره اول: از سال ۱۲۹۷ تا پایان دوره پهلوی اول

سابقه رشته زبان و ادبیات فارسی در کشورمان به قبل از تأسیس دانشگاه تهران و زمان تأسیس دارالمعلمین مرکزی در سال ۱۲۹۷ خورشیدی برمی‌گردد. تأسیس این مؤسسه بخشی از روند تجدد و تجددخواهی در ایران به شمار می‌آید که از اواخر دوره قاجار نضج گرفته بود و در جنبش مشروطه تبلور یافت. در یکی از پژوهش‌ها درباره علل پیدایش و برآمدن نهادهای علمی در ایران، مدلی زمینه‌ای از داده‌های تاریخی و اجتماعی برای توضیح آن ارائه شده است. این مدل، که به چرایی پدید آمدن نهادهای علمی در ایران از تأسیس بیت‌الحکمه در سده‌های دوم و سوم هجری تا دارالمعلمین در سده چهاردهم خورشیدی را دربرمی‌گیرد، شش مؤلفه را شامل می‌شود: ابتکارات کنشگران مرزی؛ رشد شهرنشینی به عنوان زمینه سکونتگاهی و زیست‌بوم علم؛ منابع هیجانی و پویایی‌شناسی اجتماعی، محیط جهانی برانگیزاننده، و تعاملات بین‌المللی مثبت و خلاق؛ وجود چهار خصیصه در دولت (درجاتی از عقل‌گرایی، ارتباط با دانشمندان، برقراری ارتباط میان مشروعیت دولت و

عظمت تمدنی و فرهنگی، و تسامح نسبت به عقیده و مذهب؛ روح فرهنگی تلفیق‌گر، ترکیب‌کننده در ایران (پدیده ایرانی جهانی) (فراستخواه، ۱۴۰۰: ۲۸-۴۰). طبق اطلاعات نخستین سالنامه دارالمعلمین عالی که هم‌زمان با پنجمین سال تأسیس این مؤسسه منتشر شد، در سال ۱۲۹۷ (در دوره وزارت نصیرالدوله) چندین مدرسه ابتدائی در تهران و ولایات افتتاح شده بود و وزارت معارف برای پرورش معلمانی که بتوانند در این مدرسه‌ها تدریس کنند مؤسسه‌ای تأسیس کرد. نخست در خیابان نادری و سپس در ساختمان شرکت فرهنگ در تخت زمرد مدرسه‌ای به نام دارالمعلمین مرکزی به ریاست آقامیرزا ابوالحسن خان فروغی و «نظامت» میرزا اسمعیل خان مرآت تأسیس شد. چنان که در این سالنامه آمده است، تأسیس این مدرسه یا مؤسسه به علت «احتیاج مبرمی» بود که در آن هنگام وزارت معارف به معلم داشت. برنامه این مؤسسه طبق تعلیمات متوسطه بود اما مواردی مانند معرفت‌النفس، منطق، و تعلیم و تربیت را به آن افزودند. برنامه آن به گونه‌ای بود که تحصیلات علمی و ادبی را شامل می‌شد که چند سال بعد دو شاخه علمی و ادبی از هم تفکیک شدند (سالنامه دارالمعلمین عالی، ۱۳۱۲: ۱-۲). دارالمعلمین مرکزی و رشته ادبیات بنا بر ضرورتی واقعی بنا شده بود. شمار مدرسه‌های ابتدایی و متوسطه افزایش یافته بود و برای تربیت دبیر به چنین مؤسسه‌ای نیاز بود. درس‌های دارالمعلمین به سه شعبه تقسیم شده بود: ادبی، ریاضی، و طبیعی. درس‌های شعبه ادبی طبق نظام‌نامه عبارت بودند از: ادبیات فارسی، عربی، تاریخ، فقه، منطق، تعلیمات مدنی، کلیات ثروت ملل و غیرها. در ماده سوم نظامنامه دارالمعلمین مرکزی بر ارتباط میان درس‌ها و نیازهای آموزشی تأکید شده بود: «پروگرام دارالمعلمین مرکزی همیشه باید طوری ترتیب شود که پروگرام رسمی متوسطه را شامل باشد» (زرگری‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۶۵).

تا سال ۱۳۰۷ وضعیت بر همین منوال بود و عده‌ای از دانش‌آموختان آن در تهران و ولایات به تدریس مشغول شدند (اساسنامه دارالمعلمین عالی، ۱۳۱۲: ۱-۲) در سال‌های منتهی به ۱۳۰۷، تعداد مدرسه‌های ابتدائی رو به فزونی گذاشت و چند مدرسه متوسطه کامل در تهران و بعضی ولایات افتتاح شد و نیاز به معلم برای تدریس در مدرسه‌های فزونی گرفت. از این رو، دارالمعلمین عالی در سال ۱۳۰۷ تأسیس شد (همان: ۲). برنامه دارالمعلمین عالی مرکزی (مصوب ۳۰ مرداد ۱۳۰۷) نیز از این قرار بوده است: (۱) تحقیق در ادبیات فارسی؛ (۲) زبان و ادبیات فرانسه؛ (۳) متدولوژی (علم اسالیب)؛ (۴) تاریخ قدیم یونان و روم؛ (۵) حکمت و تعلیم و تربیت؛ (۶) تاریخ جدید و معاصر؛ (۷) تاریخ ادبیات عرب؛ (۸) تحقیق در تاریخ ایران؛ (۹) معانی و بیان؛ (۱۰) دوره مختصر معقول؛ (۱۱) تاریخ و فلسفه؛ (۱۲) معرفه‌النفس

تفصیلی؛ ۱۳) تاریخ ادبیات اروپا؛ ۱۴) تاریخ ملل و مشرق؛ ۱۵) تاریخ مفصل ایران؛ ۱۶) تاریخ قرون وسطی؛ ۱۷) جغرافیای انسانی اروپا و آسیا؛ ۱۸) فلسفه (اخلاق، معرفه‌النفس)؛ ۱۹) تاریخ اکتشافات جغرافیایی؛ ۲۰) تاریخ صنعت. طبق اساسنامه‌ای که به تصویب شورای عالی معارف رسید، دارالمعلمین عالی مشتمل بر دو قسمت علمی و ادبی، و قسمت ادبی شامل دو شعبه فلسفه و ادبیات و شعبه تاریخ و جغرافیا شد. دوره اول متوسطه دارالمعلمین مرکزی در سال ۱۳۰۷-۸ و دوره دوم در سال ۹-۱۳۰۸ به خارج منتقل شد و بدین ترتیب دارالمعلمین عالی از متوسطه تفکیک شد و شرط ورود به دارالمعلمین عالی داشتن تصدیق دارالمعلمین متوسطه یا دوره کامل متوسطه مقرر شد (همان: ۳). برنامه دارالمعلمین عالی در سال تحصیلی ۱۲-۱۳۱۱ در شعبه فلسفه و ادبیات، که در صفحه چهارده اساسنامه یاد شده آمده، از این قرار بوده است:

سال اول: تاریخ ادبیات ایران از ابتدا تا آخر ساسانیان؛ تاریخ ادبیات ایران از اول اسلام تا دوره سامانی، فارسی (انشاء، قرائت و تحقیق در بعضی از قسمت‌های منتخب نظم و نثر فارسی)؛ فرانسه [توضیحات پاورقی اساسنامه: به جای زبان و ادبیات فرانسه ممکن است زبان انگلیسی یا آلمانی را تحصیل کرد و امتحان داد. دانستن یکی از السنه مذکور در هر حال اجباری است.] (قرائت آتالا تألیف شاتوبریان، کنفرانس‌های مختصر از طرف محصلین، انشاء)؛ عربی (نحو عالی، معانی و بیان، قرائت نظم و نثر عربی، ترجمه فارسی به عربی و بالعکس)؛ سال دوم: تاریخ ادبیات فارسی از اول طاهریان (۲۰۵) تا حمله مغول (۶۱۶)؛ تاریخ ادبیات عرب از جاهلیت تا عصر اموی (قرائت منتخبات)؛ تاریخ ادبیات فرانسه تا قرن هفدهم (ادبیات یونان و روم)؛ منطق قدیم؛ منطق جدید؛ سال سوم: تاریخ ادبیات فارسی از حمله مغول (۶۱۶) تا دوره مشروطیت؛ تاریخ ادبیات عرب از عصر اموی تا زمان معاصر؛ تاریخ ادبیات فرانسه از قرن هفدهم تا امروز (مختصری از ادبیات سایر ممالک خارجه)؛ تاریخ فلسفه؛ کلیات فلسفه؛ حکمت قدیم؛ منطق جدید. با توجه به افزونی گرفتن تعداد مدرسه‌ها و اشتیاق به تحصیلات در ایران، در دوره رضاشاه پهلوی و در سال ۱۳۰۷، دولت دارالمعلمین مرکزی را به دارالمعلمین عالی یا دانشسرای عالی تغییر داد تا زمینه بیشتری برای تربیت معلمان بیشتر و توانمند فراهم شود (زرگری‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۶۸). از سال ۱۳۱۱ به بعد که دانشکده ادبیات در دانشسرای عالی ایجاد شد، تغییراتی در تشکیلات دانشسرا روی داد فلسفه از ادبیات مجزا شد و رشته‌های زبان خارجه، علوم تربیتی، و باستان‌شناسی به وجود آمد (اساسنامه

دانشسرای عالی، ۱۳۱۹: ۲). پس از تصویب قانون تأسیس دانشگاه تهران در هشتم خرداد ۱۳۱۳، *دانشسرای عالی* به دانشگاه تهران پیوست و یکی از مؤسسات تابعه دانشگاه شد. پس از این، تغییراتی در تشکیلات دانشسرای عالی روی داد و با تفکیک رشته‌های فلسفه و ادبیات از یکدیگر دو رشته «ادبیات» و «فلسفه و علوم تربیتی» به وجود آمد (*سالنامه دانشسرای عالی*، ۱۳۱۹-۱۳۱۸: ۲). در اساسنامه دانشسرای عالی، که اینک بخشی از دانشگاه تهران بود، برنامه «رشته زبان و ادبیات فارسی»، تصویب شده دانشگاه به تاریخ ۲۴ شهریور ۱۳۱۷ از این قرار بوده است: زبان فارسی، تاریخ ادبیات فارسی، زبان خارجه، زبان عربی، تاریخ تمدن ایران و عمومی، کلیات و تاریخ فلسفه و منطق (همان: ۴۲). نکته جالب اینکه در همین بخش تصریح شده است: «مدلول همین اساسنامه برای دانشجویان دانشکده ادبیات و دانشکده علوم و دانشکده ادبیات، تصویب شده شورای عالی فرهنگ در تاریخ ۲۷ شهریور ۱۳۱۳، شهادتنامه‌هایی که در دانشکده ادبیات مقرر شده بود از این قرار تعیین شد: ۱) زبان و ادبیات ایران بعد از اسلام؛ ۲) تاریخ ادبیات ایران بعد از اسلام؛ ۳) ادبیات و زبان‌های پیش از اسلام و فیلولوژی فارسی؛ ۴) زبان و ادبیات عرب (صرف و نحو و علوم بلاغت و تاریخ ادبیات)؛ ۵) دوره عالی زبان فرانسه؛ ۶) ادبیات زبان فرانسه؛ ۷) دوره عالی زبان آلمانی؛ ۸) ادبیات زبان آلمانی؛ ۹) دوره عالی زبان انگلیسی؛ ۱۰) ادبیات زبان انگلیسی؛ ۱۱) دوره عالی زبان روسی؛ ۱۲) تاریخ پیش از اسلام به انضمام ملل مشرق و یونان و روم؛ ۱۴) تاریخ بعد از اسلام؛ ۱۵) تاریخ عمومی؛ ۱۶) تاریخ تمدن؛ ۱۷) باستان‌شناسی؛ ۱۸) جغرافیای ایران؛ ۱۹) جغرافیای عمومی؛ ۲۰) فلسفه جدید؛ ۲۱) فلسفه قدیم؛ ۲۲) کلیات و تاریخ فلسفه؛ ۲۳) روانشناسی عمومی. طبق ماده چهارم، به دارندگان دست کم چهار شهادتنامه از دانشکده ادبیات لیسانس در ادبیات داده خواهد شد. در ماده پنجم نیز، مانند *دارالمعلمین و دانشسرا*، تصریح شده که مدت تحصیل برای اخذ لیسانس سه سال خواهد بود (همان: ۶۴-۶۵). در ماده هشتم، به طور مشخص تعیین شده که برای لیسانس ادبیات فارسی پنج شهادتنامه با این عنوان‌ها ضروری است: زبان و ادبیات ایران بعد از اسلام، تاریخ ادبیات ایران بعد از اسلام، زبان و ادبیات عرب، کلیات و تاریخ و فلسفه، دوره عالی زبان خارجه (همان: ۶۶). چنان که دیدیم *دارالمعلمین* از آغاز تا رسیدن به دانشسرای عالی و سپس پیوستن به دانشگاه تهران سیری تکاملی را از سطوح آغازین تا عالی را طی کرد، این سیر تکاملی و کارکرد

آموزشی آن را به شکل دقیق‌تری در سه مرحله خلاصه کرده‌اند: «۱. آموزش مابعد متوسطه؛ ۲. آموزش سطح سوم؛ ۳. آموزش عالی (فراستخواه، ۱۴۰۰: ۴۸).

### دوره‌ی دوم: پهلوی دوم

در سال تحصیلی ۱۳۳۵-۳۶ نظام تحصیلی «واحدی» و «شهادتنامه‌ای» جایگزین نظام کلاسی شد. در نظام واحدی، هر واحد یک ساعت در هفته طی یک سال تحصیلی را در بر می‌گرفت. برای اخذ درجه‌ی لیسانس در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی، شصت واحد (۵۳ واحد اجباری و ۷ واحد اختیاری) حداقل در سه سال و حداکثر در شش سال ضروری بود. درس‌های اجباری عبارت بودند از: دستور زبان فارسی، سبک‌شناسی نظم، تحقیق در متون، فارسی و آیین نگارش، صناعات فارسی و عربی (معانی و بیان، عروض و قافیه، بدیع و انواع شعر فارسی)، تاریخ زبان فارسی، زبان و ادبیات اوستایی و فارسی باستان، زبان پهلوی، زبان عربی، ادبیات عرب، سخن‌سنجی و زبان خارجه (طاهری، ۱۴۰۰: ۳۰۶-۳۰۷).

در سال ۱۳۴۵، به پیروی از مراکز علمی و دانشگاهی دنیای مترقی، نه گروه آموزشی در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران تأسیس شد که «گروه زبان و ادبیات فارسی» یکی آن‌ها بود. از ایم سال در دوره‌ی لیسانس، گذراندن ۱۴۰ واحد درسی و نوشتن رساله‌ی ختم تحصیلی الزامی شد و حداقل مدت تحصیل نیز به چهار و هر سال تحصیلی به دو نیم‌سال تغییر یافت. در سال ۱۳۵۳، رساله‌ی ختم تحصیل برای اخذ مدرک لیسانس از نظام آموزشی حذف شد و دانشجویان برای گرفتن این مدرک موظف شدند چهل واحد عمومی، شصت واحد کهاد و ده واحد آزاد (جمعاً ۱۴۰ واحد) بگذرانند. برنامه‌ی درسی مصوب از این قرار بود: دروس تخصصی اجباری: دستور زبان فارسی، تحقیق در متون و آیین نگارش، تاریخ زبان فارسی، تاریخ ادبیات فارسی، مقدمه‌ی تاریخ ادبیات، کلیات مسائل ادبی، سخن‌سنجی، سبک‌شناسی نظم، صناعات ادبی، سنجش ادبیات ایران و خارجه، سبک‌شناسی نثر. دروس عمومی اختیاری: صرف، زبان خارجه، نحو، زبان پهلوی، تاریخ ادبیات عرب، قرائت متون فلسفی، تفسیر متون فلسفی و کلامی به زبان فارسی. در سال ۱۳۴۷، این درس‌ها به درس‌های پیشین افزوده شد: آیین نگارش و قوانین املا، تاریخ تصوف اسلامی از آغاز تا مولوی، تاریخ تصوف اسلامی از مولوی به بعد، تحقیق در ادب معاصر جهان، تحقیق در عروض و قافیه و بدیع، تحقیق در معانی و بیان عربی، تمدن و فرهنگ ایران، دستور تاریخی زبان فارسی، سیر عقاید و آرا در تمدن اسلامی، قرائت عربی، قرائت و تجزیه

عربی، متون فارسی (نظم و نثر)، منابع و روش تحقیق در ادبیات ایران و تاریخ اسلام و نقد ادبی (همان: ۳۱۸-۳۱۹). آخرین تجدید نظرها، پیش از انقلاب ۵۷، در برنامه دوره لیسانس در سال تحصیلی ۱۳۵۳-۱۳۵۴ صورت گرفت. بر این اساس درس‌های این دوره در دو بخش از این قرار صورت نهایی یافت: دروس اصلی (مهاده الزامی): تاریخ زبان فارسی، متون نظم و نثر دوره سلجوقی و مغول و تیموری، نظم و نثر دوره طاهریان تا غزنویان و دوره قاجار و معاصر، بزرگان ادب فارسی (خواجوی کرمانی و خاقانی و مسعود سعد سلمان)، تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی، تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی (طاهریان تا غزنویان)، صناعات ادبی، تاریخ ادبیات قاجار و معاصر، تاریخ ادبیات سلجوقی و مغول و تیموری، متون نظم و نثر دوره صفویه و زندیه و قاجاریه؛ دروس فرعی (کهاد اختیاری): سعدی، نقد ادبی و سخن‌سنجی، متون عرفانی و اخلاقی فارسی، فردوسی، متون مصنوع و مشکل فارسی، متون حماسی، مولوی، دوره فارسی دری، دوره تکوینی فارسی دری، دستور زبان فارسی، حافظ، کلیات مسائل ادبی، نظامی، سنائی، عطار، ناصر خسرو، جامی، بیهقی، تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی دوره صفویه و زندیه و قاجاریه، ادبیات فارسی در تاجیکستان و آسیای میانه، ادبیات فارسی عصر عثمانی، تاریخ و ادبیات فارسی در شبه‌قاره هند و پاکستان، متون افسیری و مذهبی و کلامی فارسی (همان: ۳۲۰).

#### دوره چهارم: از انقلاب ۵۷ تا سال ۱۳۹۱

شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی در نود و پنجمین جلسه خود به تاریخ ۱۳۶۶/۷/۴، «مشخصات کلی، برنامه و سرفصل دروس دوره کارشناسی زبان و ادبیات فارسی» را در ۱۴۶ واحد درسی مصوب کرد. طبق مندرجات این برنامه (وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۶۶: ۷) از «همکاری و نظریه‌های» این استادان در تدوین برنامه یادشده استفاده شد: جلیل تجلیل، اسماعیل حاکمی، محمد رادمنش، و شفیع کدکنی. چنان که می‌بینیم کاربه‌دستان در این برنامه نیز از نظر استادان نامدار رشته زبان و ادبیات بهره برده‌اند.<sup>۱</sup> این برنامه، صرف نظر از درس‌های عمومی و درس‌های انتخابی (۴ واحد)، سه بخش دروس پایه (۱۳ واحد)، دروس اصلی (۸۹ واحد)، و دروس تخصصی (۲۱ واحد) را شامل می‌شود. دروس پایه عبارت‌اند از: دستور زبان فارسی ۱ و ۲، تاریخ زبان

۱. یادآوری می‌شود به رغم اینکه برنامه جدید دوره کارشناسی زبان و ادبیات فارسی در هشتصدمین جلسه شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی به تاریخ ۱۳۹۱/۴/۴ مصوب و ابلاغ شده است، بعضی دانشگاه‌ها از جمله دانشگاه تهران همچنان همین برنامه مصوب سال ۱۳۶۶ را اجرا می‌کنند.

فارسی، مرجع‌شناسی و روش تحقیق، بدیع، آیین نگارش (این درس سه واحدی است)؛ دروس اصلی عبارت‌اند از: متون نظم ۱ (در دو قسمت، هر قسمت دو واحد)، متون نظم ۲ (در سه قسمت، هر قسمت دو واحد)، متون نظم ۳ (در سه قسمت، هر قسمت دو واحد)، متون نظم ۴ (در چهار قسمت، هر قسمت دو واحد)، متون نظم ۵ (در پنج قسمت، هر قسمت دو واحد)، متون نثر ۱ (در دو قسمت، هر قسمت دو واحد)، متون نثر ۲ (در دو قسمت، هر قسمت دو واحد)، متون نثر ۳ (در سه قسمت، هر قسمت سه واحد)، متون نثر ۴ (در دو قسمت، هر قسمت دو واحد)، قرائت متون عربی (در پنج قسمت، هر قسمت دو واحد)، قواعد عربی (در پنج قسمت، هر قسمت دو واحد)، زبان خارج تخصصی (در سه قسمت، هر قسمت دو واحد)، عروض و قافیه، ادبیات معاصر، متون تفسیری فارسی، آشنائی با علوم قرآنی (سه واحد)، نقد ادبی؛ دروس تخصصی نیز عبارت‌اند از: معانی و بیان (۱ و ۲)، مبانی عرفان و تصوف، تأثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی، تاریخ ادبیات (۱ تا ۴)، سبک‌شناسی نظم، سبک‌شناسی نثر.

#### دوره پنجم: از ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۴

آخرین تغییرات در برنامه‌دستی دوره کارشناسی زبان و ادبیات فارسی در هشتمین جلسه شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی به تاریخ ۱۳۹۱/۴/۴ تصویب شده و در سه زمینه مربوط به درس‌های اختیاری شامل مهارت‌های ادبی، فنون ادبی، و متون ادبی تغییراتی در آن ایجاد شده است. همه ۱۳۶ واحد درسی این دوره در پنج بخش تفکیک شده است: (۱) دروس عمومی (۱۸ واحد)؛ (۲) دروس پایه الزامی (۱۶ واحد)؛ (۳) دروس اصلی الزامی (۶۴ واحد)؛ (۴) دروس تخصصی (۱۶ واحد)؛ (۵) دروس اختیاری (۲۲ واحد). برای بررسی دقیق‌تر دروس عمومی و اختیاری را نادیده می‌گیریم. در این برنامه، درس‌های پایه الزامی عبارت‌اند از دستور زبان فارسی ۱ و ۲، تاریخ زبان فارسی، مرجع‌شناسی و روش تحقیق، بلاغت ۱ و ۲، آیین نگارش و ویرایش، عروض و قافیه؛ درس‌های اصلی الزامی عبارت‌اند از: متون نظم ۱، ۲ (متون نظم ۲ در سه قسمت، هر قسمت دو واحد)، متون نظم ۳ (در چهار قسمت، هر قسمت دو واحد)، متون نظم ۴ (در چهار قسمت، هر قسمت دو واحد)، متون نظم ۵ (در سه قسمت، هر قسمت دو واحد)، متون نثر در پنج قسمت (هر قسمت دو واحد)، قواعد و متون عربی (در شش قسمت، هر قسمت دو واحد)، زبان تخصصی (در دو قسمت، هر قسمت دو واحد)، جریان‌شناسی شعر معاصر ایران، جریان‌شناسی نثر معاصر ایران، آشنایی با علوم قرآنی، کلیات نقد ادبی. درس‌های

تخصصی نیز عبارت‌اند از: مبانی عرفان و تصوف، تأثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی، تاریخ ادبیات فارسی ۱ (پیش از اسلام تا آغاز دوره سلجوقیان)، تاریخ ادبیات فارسی ۲ (از آغاز دوره سلجوقیان تا دوره مغول)، تاریخ ادبیات فارسی ۳ (از دوره مغول تا دوره صفویه)، تاریخ ادبیات فارسی ۴ (از دوره صفویه تا مشروطه)، سبک‌شناسی نظم، سبک‌شناسی نثر.

### بحث و نتیجه

براساس بررسی تاریخی در بخش قبل صورت دادیم، اکنون می‌توان به مقایسه برنامه دوره کارشناسی مصوب ۱۳۹۱ و برنامه‌های حدود یک سده پیش پرداخت:

### شباهت‌ها

چنان که می‌بینیم، همسانی سرفصل‌ها در هر دو برنامه آشکار است؛ در هر دو طرف مقایسه، ادبیات کلاسیک فارسی در اولویت بوده و ادبیات معاصر تقریباً نادیده گرفته شده است. برای نمونه، در درس تاریخ ادبیات، در هر دو برنامه، سرفصل‌ها تا دوره مشروطه را دربرمی‌گیرند. توجه بیش‌تر به نظم و شعر فارسی در برنامه قدیمی مشهود است. این موضوع در برنامه جدید نیز دیده می‌شود. از میان بیست درس مربوط به متون در درس‌های الزامی این دوره، پانزده درس به متون نظم و فقط پنج درس به متون نثر مربوط است. درس‌های عربی، اگرچه تعداد واحدها مقداری کمتر شده است، در هر دو طرف مقایسه همانند و بااهمیت هستند؛ متن خوانی (اعم از نظم و نثر) در هر دو برنامه بااهمیت بوده است. گفتنی است متن خوانی در برنامه قدیمی در قالب تاریخ ادبیات و زیر عنوان متون منتخب گنجانده شده است؛ زبان خارجی در هر دو طرف مقایسه تقریباً مشترک است؛ درس‌های ذیل عنوان پایه الزامی در برنامه جدید با تفاوت‌هایی اندک ذیل بلاغت و تاریخ زبان فارسی در برنامه قدیمی آمده‌اند.

### تفاوت‌ها

تفاوت‌ها بسیار اندک است

دو درس مربوط به ادبیات معاصر در قالب کلی جریان‌شناسی نظم معاصر فارسی و جریان‌شناسی نثر معاصر فارسی؛ درس‌های منطق جدید و قدیم و فلسفه و تاریخ آن در برنامه قدیمی آمده و در برنامه جدید نیست، زیرا در *دراالمعلمین* و *دانش‌سرا*، چنان که گفته شد، دو درس فلسفه و ادبیات تا مدت‌ها از هم تفکیک نشده بودند و پس از

تفکیک نیز این چند درس در برنامه رشته زبان و ادبیات فارسی باقی ماندند. درس‌های اختیاری در کانون بررسی ما قرار نگرفته است، اما در برنامه جدید، در بخش درس‌های اختیاری سه زمینه مفصل افزوده شده است که عبارت‌اند از: درس‌های اختیاری زمینه اول، مهارت‌های ادبی؛ درس‌های اختیاری زمینه دوم، فنون ادبی؛ درس‌های اختیاری زمینه سوم، متون ادبی. دانشجویان موظفند از میان یکی از این زمینه‌ها چهار درس (هر یک از درس‌ها ۲ واحد را شامل می‌شود) را انتخاب کنند. صرف نظر از زمینه‌های دوم و سوم، که تفاوتی با برنامه‌های پیشین ندارند، در بخش مهارت‌های ادبی، شانزده عنوان ذکر شده که عمدتاً ماهیتی کارگاهی دارند. برای بعضی از این درس‌ها عبارت‌اند از: کارگاه ویراستاری ۱ و ۲، کارگاه روش تصحیح نسخه‌های خطی، کارگاه فرهنگ‌نویسی، فیلم‌نامه و نمایشنامه‌نویسی، و کارگاه روزنامه‌نگاری. این تفاوت معنادار و در جهت اشتغال‌پذیری برنامه است. البته، با توجه به اینکه این بخش تنها یکی از بخش‌های سه‌گانه دروس اختیاری است و همچنین، در درس‌های اختیاری تنها گذراندن چهار درس دو واحدی الزامی است، ضمن مفید بودن تأثیرات آن چندان نیست. چنان که دیدیم، دارالمعلمین مرکزی، دارالمعلمین عالی و سپس دانشسرای عالی مؤسسه‌ای مأمورت محور بود که برای تربیت آموزگار و دبیر تأسیس شد. برنامه‌های مصوب این مؤسسه در رشته زبان و ادبیات فارسی نیز بر اساس همین مأموریت شکل گرفت و در دوره‌های بعد تغییراتی یافت تا اینکه به دانشگاه تهران پیوست. در دوره رضاشاه برنامه این مؤسسه در رشته زبان و ادبیات فارسی بی‌کم‌وکاست به دانشگاه تهران منتقل شد و استادان برجسته آن نیز به این دانشگاه و دانشکده ادبیات آن پیوستند. استادان برجسته این مؤسسه فهرستی طولانی را تشکیل می‌دهند و افرادی چون عباس اقبال آشتیانی، بدیع‌الزمان فروزانفر، احمد بهمنیار، دکتر رضازاده شفق، و عبدالحسین شیبانی تنها بخشی از استادانی بودند که پس از تأسیس دانشگاه تهران از دانشسرا به دانشگاه تهران پیوستند. در واقع، پیوستن دانشسرا به دانشگاه تهران، افزون بر پیوستن رشته و برنامه زبان و ادبیات فارسی، پیوستن استادان برجسته این رشته به دانشگاه تهران را در پی داشت. برنامه‌های دوره قبل در دوره محمدرضاشاه پهلوی نیز با تغییرات اندکی ادامه یافت. برنامه‌ای که پس از انقلاب و در سال ۱۳۶۱ مصوب شد نیز در مسیر برنامه‌های قبلی و با تغییرات اندک همراه بود. چنان که دیدیم در برنامه مصوب دوره کارشناسی، در سال ۱۳۹۱، که موضوع بحث ماست، نیز تفاوت‌چندانی مشاهده نشد. نتیجه پژوهش ما، که بر اساس بررسی سرفصل‌های مصوب انجام شد، مبنی بر تغییرات اندک در برنامه درسی رشته زبان و ادبیات فارسی را یکی از پژوهش‌ها درباره یکصد سال ادبیات‌شناسی در ایران، که در آن به آموزش ادبیات از جهات گوناگون پرداخته شده، تأیید می‌کند: «چرخ

مطالعات ادبی بر محور مفروضات نسل اول ادبیات‌شناسان دوره رضاشاه می‌چرخید و به‌رغم تلاش‌های برخی استادان نوگرای پیش و پس از انقلاب، ساختاری که پایه‌گذاران دانشکده ادبیات در آغاز قرق حاضر پی‌ریزی کرده بودند تا دهه هشتاد شمسی همچنان پایدار ماند» (فتوحی، ۱۴۰۰: ۲۶۵). افزودنی است که بر اساس پژوهش ما این ساختار در اصل از سال ۱۲۹۷ و با تأسیس دارالمعلمین پی‌ریزی شده بود. می‌توان گفت اقتدار تدوین‌کنندگان نخستین برنامه و ادامه‌دهندگان آن در جامعه علمی رشته زبان و ادبیات فارسی تثبیت برنامه نخست در طی یک سده در نظام دانشگاهی ایران را موجب شد. آشکار است که رویکرد این استادان، همانند نخستین برنامه، به رشته زبان و ادبیات فارسی و برنامه آموزش آن معطوف به ادبیات کلاسیک بوده است. به همین دلایل، این برنامه، که در آغاز بر پایه نیازهای آموزشی جامعه ایرانی (تربیت آموزگار و دبیر) طرح‌ریزی شده و با توجه به تعداد فراوان افراد بی‌سواد در کشورمان، کاملاً کاربردی و در جهت نیازهای آموزشی کشور بود و دانش‌آموختگانی اشتغال‌پذیر را وارد جامعه می‌کرد. با نیازهای زمانه پیش‌رفت، به گونه‌ای که پس از گذشت بیش از یک سده و تغییرات عمده در کشورمان تحولی معنادار و متناسب، به‌ویژه در دوره کارشناسی، نداشته است. به زبانی ساده، این برنامه در اصل برای آموزش آموزگار و دبیر تدوین شد، درحالی‌که نیازهای جامعه، در پیوند با اشتغال‌پذیری، بسیار بیش‌تر و متنوع‌تر از تربیت آموزگار و دبیر بوده است.<sup>۱</sup> پاسخ پرسش دوم مقاله مبنی بر راه‌حل‌های علت‌های تاریخی عدم انطباق برنامه‌های درسی مصوب رشته زبان و ادبیات فارسی با نیازهای جامعه و مسئله اشتغال‌پذیری در قالب پیشنهادهایی ارائه می‌شود. آخرین تغییرات این برنامه در سال ۱۳۹۱، عمدتاً معطوف به ایجاد گرایش‌های جدید در دوره کارشناسی ارشد بوده است، درحالی‌که چنین تغییراتی نمی‌تواند به گونه‌ای نیرومند در جهت اشتغال‌پذیری رشته زبان و ادبیات فارسی قرار گیرد. علت آن هم این است که مدت دوره کارشناسی ارشد نصف دوره کارشناسی ارشد است. در دوره دوساله کارشناسی ارشد، ۱۲ واحد پایه گنجانده شده که برای همه گرایش‌ها یکسان است. این درس‌ها عبارت‌اند از: تطور متون شعر فارسی، تطور متون نثر فارسی، ساخت دستوری زبان فارسی، نظریه‌ها و نقد ادبی، بلاغت کاربردی، و متون نظم و نثر عربی. چنان‌که می‌بینیم به جز درس نظریه‌ها و نقد

۱. با اینکه ویژگی‌های برنامه رشته زبان و ادبیات فارسی به گونه‌ای است که دانش‌آموختان آن برای شغل آموزگاری و دبیری دانش لازم را به دست می‌آورند و مثلاً با گذراندن یک دوره چندماهه روش‌ها و مهارت‌های تدریس، برای جذب در نهاد آموزش و پرورش آماده خواهند بود، متأسفانه اخیراً با تأسیس و گسترش دانشگاه فرهنگیان این امکان مهم نیز از دانش‌آموختگان این رشته در دانشگاه‌های سراسری گرفته شده است، موضوعی که افزون بر محروم کردن دانش‌آموختگان این دانشگاه‌ها، هدررفت بودجه عمومی کشور را نیز موجب می‌شود.

ادبی، همه درس‌ها چکیده برنامه دوره کارشناسی و کاملاً بر پایه ادبیات کهن فارسی است. صرف نظر از دو درس اختیاری، دانشجویی که قرار است با گذراندن دوره کارشناسی ارشد در یک گرایش متخصص و بر آن اساس به بازار کار وارد شود، قرار است با پنج درس دو واحدی و یک پایان‌نامه (با فرصت بسیار اندک تا تاریخ دفاع و در حد یک طرح دانشجویی در دوره کارشناسی) به این هدف برسد. آشکار است که چنین برنامه‌ای با هدف پرورش متخصص تناسبی ندارد. دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی نیز کم‌بیش همین مشکلات را دارد اما چون درصد اندکی از کل دانشجویان و دانش‌آموختگان این رشته به این دوره تعلق دارند و به بحث اصلی ما یعنی اشتغال کم‌تر مربوط می‌شوند در این جا از بحث درباره آن صرف نظر می‌شود. هرچند باید گفت که تعداد دانشجویان و دانش‌آموختگان این دوره هم بسیار بیش‌تر از حد معمول است و تناسبی با نیازهای جامعه ندارد. گسترده بودن مطالب و زیاد بودن دوره شمول برنامه کارشناسی که مطالعه هزار و صد سال ادبیات فارسی را برای یک دوره چهارساله در نظر گرفته است از مهم‌ترین ویژگی‌های این برنامه است. به نظر می‌رسد این ویژگی اخیر به جای پرورش متخصص، دانشی عمومی در اختیار دانشجویان قرار می‌دهد که می‌تواند در اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان این رشته در دوره کارشناسی موانعی جدی ایجاد کند. مقایسه سرفصل‌های مصوب با این نیازهای کاری نامتناسب بودن یا کم‌تناسبی این برنامه با نیازهای اشتغال در کشورمان را به روشنی نشان می‌دهد. در نتیجه، پیشنهاد می‌شود تغییرات در برنامه رشته زبان و ادبیات فارسی باید در دوره کارشناسی صورت گیرد. آشکار است که دوره چهارساله کارشناسی فرصت و امکان بیشتری برای پرورش دانشجویان این رشته برای بازار کار، در مقایسه با ۱۰ واحد درس و ۴ واحد پایان‌نامه در دوره کارشناسی ارشد، ایجاد می‌کند. در این صورت از اتلاف انواع سرمایه‌ها برای ادامه تحصیل و همچنین گسترش بی‌رویه تحصیلات تکمیلی و پایین آمدن کیفیت این دوره‌ها نیز جلوگیری خواهد شد. استفاده از تجربه کشورهای دیگر و تخصصی کردن این رشته از یک سو و ارتباط آن با بازار کار در زمینه‌ای میان‌رشته‌ای از سوی دیگر در دوره کارشناسی می‌تواند راه‌گشا باشد (در یکی از پژوهش‌ها، که در بخش پیشینه به آن اشاره شد، به تجربه دانشگاه‌های انگلستان اشاره شده است). در این صورت، ادبیات کلاسیک فارسی در شاخه‌های گوناگون و مستقل و تنها به عنوان بخشی اندک و طبق نیازهای جامعه می‌تواند در برنامه‌های مربوط به رشته زبان و ادبیات فارسی گنجانده شود.

## منابع

- آدمیت، فریدون (۱۳۹۷)، «در تفکر تاریخی و روش تاریخی»، بخارا، شماره ۶۵، ۵۴۰-۵۰۹.
- ابراهیمی، شیما و جهانی، زهرا (۱۴۰۲)، «بررسی روانشناختی نگرش و انگیزش دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی نسبت به رشته تحصیلی و آینده شغلی»، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۲۹ (۲)، ۱۳۳-۱۶۶.
- احمدی سیروس، بختیاری مریم، حسین نژاد قدم (۱۳۹۴)، «ارزیابی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان رشته‌های علوم انسانی و عوامل موثر بر آن (مورد مطالعه: دانشگاه یاسوج)». آموزش عالی ایران، ۷ (۴): ۱-۲۰.
- انتظاری، یعقوب (۱۴۰۰)، سرمایه انسانی اشتغال‌پذیری: مبانی نظری و کاربردش برای رشته زبان و ادبیات فارسی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- حری، ابوالفضل (۱۳۹۸)، «آسیب‌شناسی سرفصل مصوب ادبیات روایی در مقطع کارشناسی ارشد در پرتو مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی»، ادبیات پارسی معاصر، سال نهم، شماره اول، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷-۱۳۵.
- ذاکری کیش، امید (۱۴۰۰)، «فقر مبانی نظری در گرایش‌های زبان و ادبیات فارسی»، پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال ۲۱، شماره ۹، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۲۲۱-۲۴۴.
- زرگری نژاد، غلامحسین و همکاران (۱۳۹۷)، تاریخ دانشگاه تهران: دانشگاه در دوره اول ۱۳۲۲-۱۳۱۳، جلد نخست، بخش‌های اول و دوم، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۳). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سالنامه دارالمعلمین عالی: سال تحصیلی ۱۳۱۲-۱۳۱۱ (خرداد ۱۳۱۱). تهران: مطبعه روشنائی.
- سالنامه دانشسرای عالی: سال تحصیلی ۱۳۱۹-۱۳۱۸ (۱۳۱۹)، تهران: چاپخانه شرکت طبع کتاب.
- شاکری، عبدالرسول (۱۳۹۷)، «ادبیات داستانی در دانشگاه: نگاهی نقادانه به درس ادبیات داستانی در برنامه دوره کارشناسی زبان و ادبیات فارسی»، پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، شماره ۴۳، ۴۲-۵۴.
- شک، دنیل تی. اس و هالیستر، رابرت ام (۱۴۰۰)، مسئولیت اجتماعی دانشگاه و کیفیت زندگی، ترجمه مجید رمضانی مهربان، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- طاهری، فرهاد (۱۴۰۰). «تاریخ گروه زبان و ادبیات فارسی» در تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، به کوشش صفت گل، مسعود و دیگران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ظاهری عبدوند، ابراهیم و صفری، جهانگیر. (۱۳۹۸). «جایگاه آموزش کارآفرینی در سرفصل‌های رشته زبان و ادبیات فارسی با تأکید بر رویکرد رفتاری». پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، ۲۳ (۴۴)، ۷۶-۹۸.
- فتوحی، محمود (۱۴۰۰). درآمدی بر ادبیات‌شناسی: راهنمای اصول آموزش و پژوهش در ادبیات فارسی، تهران: سخن.
- فراستخواه، مقصود (۱۴۰۰). استادان استادان چه کردند؟ تاریخ دارالمعلمین و دانشسرای عالی از ۱۲۹۷ تا ۱۳۵۷. تهران: نشر نی.
- کارل، ئی. ایچ (۱۳۸۷). تاریخ چیست. ترجمه حسن کامشاد، تهران: انتشارات خوارزمی.

محمدی کله‌سر، علیرضا (۱۴۰۱)، «فقر مبانی نظری در گرایش‌های زبان و ادبیات فارسی»، نقد ادبی، سال ۱۵، شماره ۵۸، ۲۳۸-۲۰۵.

مهرنوش، مینا و وحید سعدی (۱۳۹۸)، دانشگاه کار آفرین: مفاهیم، تعاریف، الگوها و شاخص‌ها، تهران: دانش‌نگار. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۹۱/۴/۴)، برنامه‌دستی دوره کارشناسی زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات، کمیته زبان و ادبیات فارسی، مصوب هشتمین جلسه شورای عالی برنامه‌ریزی آموزش عالی.

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۹۴/۶/۷)، برنامه‌دستی دوره کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، گرایش نظریه و نقد ادبی، گروه زبان و ادبیات، کمیته زبان و ادبیات فارسی، مصوب هشتمین جلسه شورای عالی برنامه‌ریزی آموزش عالی.

وزارت فرهنگ و آموزش عالی، (۱۳۶۶/۷/۴)، گروه علوم انسانی، کمیته تخصصی زبان و ادبیات فارسی، مصوب نودوینجمین جلسه شورای عالی برنامه‌ریزی.

Lundy, K. S. (2008). Historical research. The Sage encyclopedia of qualitative research methods, 1, 395-399.

Schrag, Z. (2021). The Princeton guide to historical research. Princeton University Press.